

سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین

ترانه روحی*

چکیده

سیاه‌چادر نماد زندگی مردمان سخت‌کوش است که در اواسط بهار و اوایل پاییز به همراه دام‌های خود از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر کوچ می‌کنند. مطالعه حاضر دلیل ماندگاری این سکونتگاه تا عصر حاضر را بررسی می‌کند. در فرایند انجام پژوهش، محقق به نقاط مرزی ایران سفر کرده است تا از نزدیک شاهد سبک زندگی این مردمان باشد و از یافته‌های حاصل از این مطالعه، همسو بودن یکی از کهن‌ترین نمونه‌های معماری بشر با زندگی کوچ‌نشینی رانشان دهد. سیاه‌چادر، سکونتگاهی است که از هر لحاظ با نوع زندگی عشایر و شرایط اقلیمی سازگار است. زنان عشایر، پوشش سیاه‌چادر را از نخ حاصل از موی بز می‌بافند و از اتصال این نوارها به یکدیگر سیاه‌چادر کاملی تهیه می‌کنند. سیاه‌چادر علاوه بر پوشش چادر، از ستون‌های اصلی و مورب، حلقه‌های اتصال، طناب‌های کوتاه و بلند، میخ‌های اطراف و دیواره تشکیل شده است. در این مقاله به بخش‌های مختلف سیاه‌چادر، جهت برپایی آن و فضاهای مختلف مربوط به آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: ایل جلالی، سیاه‌چادر، عشایر ماکو، کوچ‌نشینان آذربایجان غربی، معماری متحرک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاه‌چادر کوچ‌نشینان آذربایجان غربی، با معماری منحصر به فرد که قدمت آن به قرن‌ها قبل باز می‌گردد، هنوز هم پابرجاست. علت این پایداری و ماندگاری، مهمترین انگیزه برای رفتن به سمت و سوی آن است. این مردمان به دلیل کوچنده بودن، ناچار به داشتن گونه‌ای متفاوت از معماری هستند که از هر لحاظ با نوع زندگی آنها و شرایط اقلیمی سازگار باشد.

در بخش اول این مقاله، به شناخت معماری کوچ‌نشینان منطقه، از جمله عناصر تشکیل‌دهنده سیاه‌چادر، نحوه برپایی/جمع‌آوری و کلیه قسمت‌های داخلی و خارجی آن پرداخته شده است.

سپس با نگاهی عمیق‌تر، تحلیلی جامع از چگونگی سازگاری سیاه‌چادر با شیوه زندگی حرکتی عشایر و شرایط محیطی حاکم ارائه می‌شود. در پایان، پاسخی علمی برای این سوال که چرا معماری ساده و بی‌تکلف مردمانی از دل طبیعت که به همراه دام‌های خود از این چراگاه فصلی^۱ به آن چراگاه فصلی می‌روند، پایدارتر از معماری مدرن امروز ماست؛ به دست می‌آید.

در مقاله حاضر، محقق از روش‌های گوناگونی برای جمع‌آوری اطلاعات بهره جسته است:

- استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات چاپ‌شده؛

- انجام تحقیقات میدانی که مهم‌ترین و گسترده‌ترین بخش کار را شامل می‌شود.

باتوجه به اینکه منابع مکتوب در حوزه سیاه‌چادر عشایر آذربایجان غربی بسیار محدود است، بیشتر داده‌های این مقاله، نتیجه اتودهای معماری و مصاحبه‌های نگارنده با عشایر منطقه ماکو و کارشناسان این ناحیه است.

همسفرشدن با مردمانی خالص، برای شناخت و تحلیل هرچه بهتر سرپناه کوچ‌نشینان از دید معماری، از جذاب‌ترین بخش‌های این مطالعه به شمار می‌رود.

1. erâgâh- /pasture چراگاه، مرتع، -erâgâh

سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین ❖ ۱۱

معرفی ایل جلالی

ایل جلالی یکی از ایلات کرد و از جمله ۱۰ ایل بزرگ کشور و بزرگترین ایل آذربایجان غربی است. در مورد وجه تسمیه این ایل، اقوال مختلفی ذکر شده است. برخی معتقدند به دلیل مبارزات سخت و طولانی که به قوای عثمانی داشته‌اند، به ایل جلالی (به معنای عظمت و شکوه) مشهور گردیده‌اند (نظرپور و شاه‌حسینی، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۵). کوچ‌نشینان ایل جلالی از نیمه اردیبهشت‌ماه به سمت مراتع تابستانی کوچ می‌کنند و تا اوایل پاییز در نقاط مرتفع در مرز ایران و ترکیه (سیه‌چشمه و چالدران) در زیر سیاه‌چادر به سر می‌برند. با شروع پاییز، خانواده‌های ایل دسته‌دسته به سمت شهرستان ماکو و کناره‌های رود ارس (بورالان، زنگنه و اطراف پلدشت) رهسپار شده و تا نیمه بهار در خانه‌های روستایی خود به سر می‌برند. بر اساس سرشماری عشایر کوچنده کشور مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷، ایل جلالی ۱۵۷۸۹ نفر جمعیت دارد که شامل ۲۷۳۶ خانوار عشایری و ۱۰ طایفه است.

بررسی سیاه‌چادر^۱ عشایر آذربایجان غربی

عناصر تشکیل‌دهنده:

۱. پوشش چادر

زنان عشایر نوارهای سیاه‌چادر را در طول سال قطعه به قطعه^۲ از نخ حاصل از موی بز^۳ می‌بافند^۴ و از اتصال این نوارها به یکدیگر سیاه‌چادر کاملی تهیه می‌کنند

1. rešmâl, kone mâl - سیاه‌چادر / black tent

2. let- قسمت / tent stripes

۴. در ایران موی بز به عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سیاه‌چادر عشایر است که در منابع مکتوب بسیاری به آن اشاره شده است: (مجیدزاده، ۱۳۴۲: ۱۷)، (کلانتری، ۱۳۴۵: ۲۶)، (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۱۴۶)، (صلفی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۶۶۵ - ۶۶۴)، (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۷۳)، (توکلی، ۱۳۷۹: ۱۹۶)، (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۴۷)، (رفیع‌فر، ۱۳۸۷: ۹۲)، (بهاروند، ۱۳۸۸: ۵۶)، (طیبه، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

Feilberg, 1944: 97, (Patai, 1951:406), (Faegre, 1979: 44

4. hunin- بافتن / to weave

۱۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(شکل ۱). معمولاً برای ایجاد هر نوار، حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت زمان صرف می‌کنند.^۱ عمر چادر حدود ۶ تا ۱۰ سال است و ابعاد آن رابطه‌ای مستقیم با موقعیت اجتماعی رئیس خانواده و تعداد افراد خانوار دارد. (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۷۷: ۱۲۹)، (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۷) و (بهاروند، ۱۳۸۸: ۵۸)



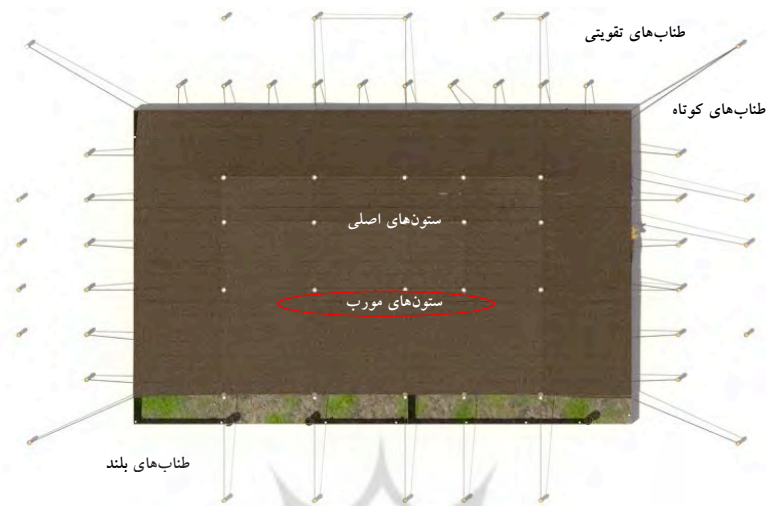
شکل ۱. زن عشایر در حال بافتن سیاه‌چادر

ابعاد و اندازه هر نوار سیاه‌چادر منطقه آذربایجان غربی:

- طول بین ۶ تا ۱۳ متر؛
- پهنا بین ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر؛
- تعداد نوارها بین ۱۵ تا ۲۵ عدد؛
- و پوشش چادر در کل، بین ۶۰ تا ۱۰۰ کیلوگرم وزن بسته به بزرگی و کوچکی آن دارد.

۱. باتوجه به گزارش‌های میدانی، زنان عشایر در زمان‌هایی از روز که فارغ از امور خانه هستند به صورت دسته‌جمعی و با همکاری هم پوشش چادر را می‌بافند. به طور متوسط برای هر نوار چادر که طولش بین ۶ تا ۱۳ متر و عرضش ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر است، زمانی بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت نیاز است.

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ نشین ❖ ۱۳



شکل ۲. طراحی سه بعدی: نمونه پلان سیاه چادر عشایر ماکو، مقیاس ۱/۲۰۰. طول نوار ۱۱ متر، پهناي نوار ۲۸ سانتیمتر، تعداد نوارها ۲۵ عدد

۲. ستون‌های اصلی^۱

ستون‌های اصلی که برای برپا کردن سیاه چادر مورد استفاده قرار می‌گیرند، در مقطع کاملاً گرد هستند؛ نه رنگی دارند و نه پوشش خاصی. هر سیاه چادر بسته به بزرگی و کوچکی اش ۳ تا ۵ ردیف ستون دار (رفیع فر، ۱۳۸۷: ۹۲) و در هر ردیف بین ۳ تا ۴ عدد ستون قرار دارد. این ستون‌ها از جنس درخت تبریزی^۲، به ارتفاع تقریبی ۳ متر و قطر ۱۰-۱۲ سانتیمتر هستند. نحوه قرارگیری آنها همیشه صاف و مستقیم نیست، گاهی به حالت کج و زیکزاکي X هستند. ستون‌ها را در زمین فرو نمی‌برند و سر آنها را تیز می‌تراشند تا داخل تار و پود چادر قرار گیرد (شکل ۳). بنابراین پوشش چادر را ستون‌ها نگه می‌دارند و در خط الرأس آن یعنی درزها، نقاط تیز و برجسته به وضوح به چشم می‌خورد. (Feilberg, 1944: 30, 97), (Faegre, 1979: 44-45), (Tapper and Thompson, 2002: 4)

1. stun - ستون / pole

2. sepidâr - درخت تبریزی / poplar



فضای اصلی آشپزخانه محل نگهداری از نوزاد دام

شکل ۳. طراحی سه‌بعدی: نمایی از فضای داخل، ستون‌های اصلی و نقاط برجسته در سقف سیاه‌چادر

۳. ستون‌های مورب

این ستون‌ها در راستای ستون‌های اصلی فقط در قسمت جلوی چادر (ورودی) برای بالا نگه داشتن لبه چادر و مهار طناب‌های جلویی به صورت مورب قرار می‌گیرند. تنها تفاوت آنها با ستون‌های اصلی، نحوه قرارگیری‌شان است. (شکل ۴ و ۵)



شکل ۵. جزئیات قرارگیری ستون مورب سیاه‌چادر



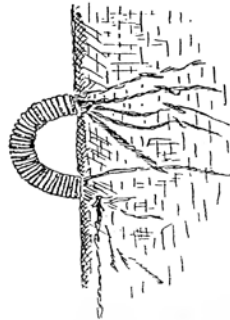
شکل ۴. ستون‌های مورب جلوی سیاه‌چادر

۴. حلقه‌های اتصال

در فاصله تقریبی هر ۲ تا ۲,۵ متر در لبه جلویی چادر، بندهایی برای قرارگیری ستون‌های مورب به پوشش چادر متصل می‌شوند. زنان عشایر این بندها را از موی بز

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین ❖ ۱۵

می‌بافند که به صورت بادبزنی (Faegre, 1979: 44.1) (Feilberg, 1944: 92) در داخل شیرازه چادر با نخ موی بز دوخته می‌شود. (شکل ۶ و ۷)



شکل ۷. جزئیات نحوه وصل شدن حلقه به لبه جلوی چادر



شکل ۶. جزئیات قرارگیری ستون مورب داخل حلقه اتصال

۵. طناب^۱

طناب یکی از ضروریات برپایی سیاه چادر است که از موی بز مانند گیسوان بافته می‌شود (سهم‌پور، ۱۳۷۷: ۳۷۳) یا از طناب‌های موجود در بازار استفاده می‌گردد. طناب‌های سیاه چادر:



شکل ۸. طناب‌های کوتاه اطراف سه ضلع سیاه چادر

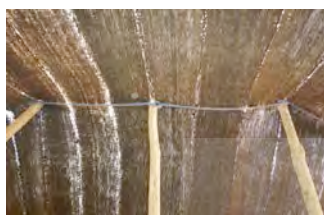
الف) طناب‌های کوتاه^۲:
طناب‌های کوتاه با طول تقریبی ۶۰ سانتیمتر تا ۱ متر، از موی بز بافته می‌شوند. آنها از طرفی به صورت بادبزن به لبه ۳ ضلع چادر (ضلع عقب و ضلع کناری) دوخته و از طرف دیگر به میخ‌های چوبی اطراف متصل می‌شوند. (شکل ۸)

1. weris / long rope / طناب بافته شده از موی بز

2. hebên / short rope / بند کوتاه

۱۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ب) طناب‌های بلند: ^۱ طناب‌های طویلی که در داخل چادر در زیر هر یک از سر ستون‌های اصلی گره می‌خورند و دور ستون مورب جلو پیچ خورده، سرانجام به میخ‌های چوبی یک متری جلوی چادر متصل می‌شوند. در قسمت عقب گاهی گره به زیر ستون آخر، انتهای کار است و گاهی به دلیل ایستایی بیشتر، به میخ‌های چوبی یک متری عقب بسته می‌شوند. (شکل ۹ و ۱۰)



شکل ۱۰. جزئیات گره خوردن طناب بلند به دور ستون‌های اصلی

شکل ۹. طناب بلند در قسمت جلوی سیاه‌چادر

ج) طناب‌های تقویتی: عشایر کوهستان‌نشین از روش‌های مختلفی برای مقابله با شرایط نامساعد جوی و بادهای نامناسب استفاده می‌کنند. جهت قرارگیری این طناب‌ها را خود عشایر تشخیص می‌دهند؛ چراکه آنها شناخت کاملی از شرایط اقلیمی و جهت وزش بادهای نامناسب محیط دارند. (شکل ۱۱ و ۱۲)



شکل ۱۲. نمونه‌ای از طناب‌های تقویتی

شکل ۱۱. نمونه‌ای از طناب‌های تقویتی

1. weris / long rope / طناب بافته شده از موی بز

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین ❖ ۱۷

۶. میخ چوبی اطراف سیاه چادر^۱

میخ چوبی با ارتفاع تقریبی یک متر و قطر ۶۸ سانتیمتر برای بستن طناب‌های چادر به کار می‌رود. میخ‌های چوبی را از چوب درخت‌های موجود در محیط مثلاً بلوط^۲ تهیه می‌کنند. تعداد منبع‌ها و نحوه قرارگیری شان، بستگی به طناب‌های چادر دارد. به بیان دیگر، در راستای طناب‌های طویل در جلو به فاصله تقریبی ۲,۵ متر از چادر و در بقیه اضلاع در فاصله ۱ متری از چادر نصب می‌شوند. انتهای این میخ‌ها برای فرو رفتن در زمین تراشیده و تیز شده است (شکل ۱۳). (کلانتری، ۱۳۴۵: ۲۶)، (Feilberg, 1944: 30)



شکل ۱۳. میخ چوبی اطراف سیاه چادر

۷. دیواره سیاه چادر

الف) بیلاق^۳

در بیلاق، سیاه چادر، دیواره‌ای مانند حصیر دارد^۴ که از چوب‌های نازک^۵ درخت سیب^۶ یا نی‌های بیابان‌های اطراف و نخ‌هایی از موی بز یا پشم گوسفند به ارتفاع تقریباً ۱,۲۰ متر و پهنای ۱ تا ۱,۵۰ متر بافته شده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ص. ۱۴۷)، (Feilberg, 1944: 86) (شکل ۱۴). در واقع نخ‌ها این ترک‌ها را به صورت

1. sing- میله یا چوب برای حصارکشی
2. berru/ oak / بلوط
3. zozân yeylâq- بیلاق, yeylâx- summer territory
4. eper, it or iq, tecil or tecir- دیواره حصیری / reed mats wall
5. telok- thin wood of mats / ترکه حصیر
6. dârsev - apple tree / شاخه درخت سیب

۱۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

موازی به گونه‌ای که طول آنها عرض حصیر را تشکیل دهد، به هم وصل می‌کند. از این گونه دیواره‌ها هم برای حفاظت فضای اطراف سیاه‌چادرها و هم تقسیم فضای داخل چادرهای عشایری استفاده می‌شود.

میخ چوبی نگهدارنده با ارتفاع تقریبی یک متر یا کمی بیشتر و قطر ۸ - ۶ سانتیمتر و در فواصل ۱ متری مماس با دیواره حصیری قرار داده می‌شود.^۱ جنس این میخ از چوب درخت‌های موجود در اطراف است که برای مهار دیواره حصیری استفاده می‌شود. میخ‌ها را با طناب‌های کوتاهی از جنس موی بز یا نخ‌های نایلونی موجود در بازار به دیواره حصیری می‌بندند و انتهای آن به‌منظور فرو رفتن در زمین تراشیده و تیز شده است.



شکل ۱۴. دیواره حصیری
شکل سیاه‌چادر در بیلاق

(ب) قشلاق^۲

سیاه‌چادر در زمان‌هایی از سال که هوا سردتر است، به دلیل محفوظ ماندن از باد و باران با دیواره‌های سنگی ۳ به ارتفاع حدود ۱,۵۰ متر احاطه می‌شود. (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۸۸)، (Feilberg, 1944: 154) (شکل ۱۵)، همچنین استفاده از گونی‌های موجود در بازار در مواقع لزوم برای پوشاندن نقاطی که هوای سرد را عبور می‌دهند، استفاده می‌گردد. (شکل ۱۶)

1. kolerim, ser kel- چوب نگهدارنده

2. wârkoz (qešlâq), qišlâx- قیشلاخ / winter territory

3. kelek- پرچین سیمی / wall with stone, telibenid- دیواره سنگچین آغل



شکل ۱۶. استفاده از گونی برای جلوگیری از نفوذ سرما



شکل ۱۵. دیواره سنگی سیاه‌چادر در سرما

برپایی سیاه‌چادر^۱

۱. محل برپایی سیاه‌چادر^۲

الف) طبق قوانین سنتی، این مکان‌ها آبا و اجدادی هستند. هر خانوار^۳ محلی را که سال‌های پیش در آن مستقر بوده است، انتخاب می‌کند. کوچ‌نشینان خویشاوند^۴ به‌طور متمرکز در یک محل زندگی می‌کنند.^۵ در هر محل، خانوارهای عضو، چادرهای خود را به گونه‌ای برپا می‌کنند که از هر سو به پیرامون خود مسلط باشند. علت این امر آن است که در مواقع خطر از وضعیت یکدیگر مطلع باشند تا هنگام بروز حوادث بتوانند به یاری هم بشتابند. (تصویر ۱ و شکل ۱۷)

1. dâmezrân- / inhabit , vedân- /برپا کردن / ساکن شدن

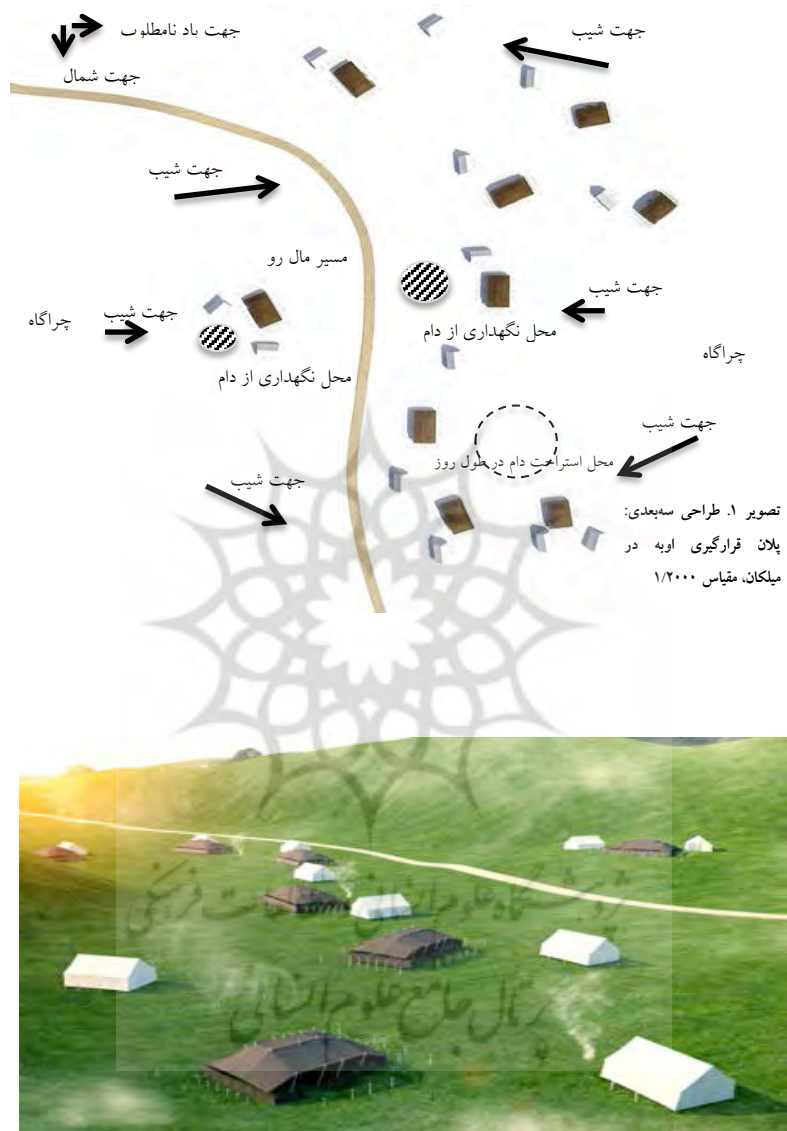
۵. منابعی که به منظور تعاریف جامعه‌شناسی در این قسمت استفاده شده است: (طیسی، ۱۳۹۴: ۱۳۵ تا ۱۴۰)، (پاپ زن و افشارزاده، ۱۳۹۰: ۴۴)

۳. مال: کوچک‌ترین واحد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سازمان ایلی است و در حقیقت هر خانوار عشایری در حکم یک مال است. / family .. / mâl

۴. مجموعه‌ای از چند خانوار کوچنده که با هم رابطه خویشاوندی دارند و در چرای جمعی و مرتع، مشترک هستند. تعداد چادرهای اوبه با تعداد خانوارها برابر است. چند خانوار خویشاوند- obê, zome

۵. محل استقرار ۵ تا ۱۰ سیاه‌چادر متعلق به یک گروه اجتماعی، میلکان نام دارد. به بیان دیگر میلکان، یک واحد مکانی است برای استقرار یک واحد اجتماعی - اقتصادی که در اصطلاح، او به نام دارد. هر میلکان به نام بزرگ یا ریش سفید اوبه است.

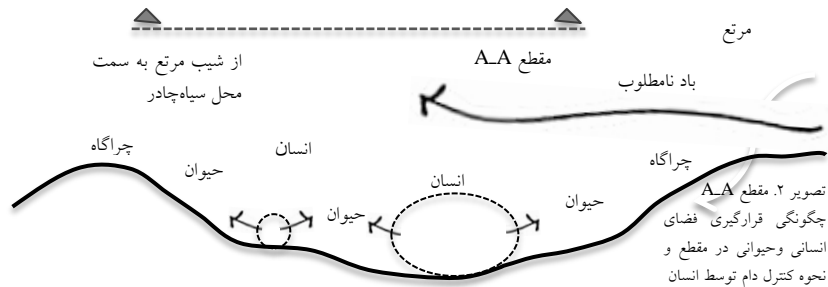
محل استقرار چادر - dirgeh, milkân



شکل ۱۷. طراحی سه بعدی: نمایی از قرارگیری چادرها، دید به سمت شمال

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ نشین ❖ ۲۱

(ب) براساس شرایط اقلیمی (تصویر ۲)



- محل برپایی چادر نباید سیل گیر باشد؛
- نباید در جهت بادهای نامناسب غربی^۱ باشد؛
- نزدیک چشمه یا رودخانه باشد (برای آشامیدن، نظافت، شستشو و تأمین آب مورد نیاز دام‌ها)؛
- زیر صخره‌های بزرگ نباشد (به علت خطر ریزش)؛
- دسترسی به راه‌های ارتباطی مال رو داشته باشد؛^۲
- به مرتع مناسب دسترسی داشته باشد؛
- جهت هدایت فضولات شیدار باشد؛
- به آغل حیوانات و مرتع دید داشته باشد (کنترل فضای انسانی بر فضای حیوان).

(توکلی، ۱۳۷۹: ۱۹۷-۱۹۶)

۲. جهت برپایی سیاه چادر

جهت چادر در بیلاق و قشلاق متفاوت است: در بیلاق اغلب سعی می‌شود به علت شرایط جغرافیایی محیط، ورودی چادرها به طرف شرق باشد؛ چرا که محیط کوهستانی است و آفتاب دیر به درون کوهستان نفوذ می‌کند و مدت زمان تابش آن از جانب شرق و ایجاد گرما برای چادر کم است. در قشلاق بسته به شرایط جغرافیایی، جهت استقرار

1. semun- باد غربی / west wind

2. šivile- مسیر مال رو / beaten path

۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

چادر فرق می‌کند. اگر هوا گرم باشد، پشت چادر رو به سمت جنوب و روی آن به طرف شمال قرار داده می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت، بسته به نیاز به گرما یا عدم‌نیاز به گرما و همچنین شرایط محیطی و جغرافیایی جهت استقرار چادر متفاوت است.

۳. نحوه برپایی سیاه‌چادر

برپایی سیاه‌چادر از سوی ۳ یا ۴ مرد انجام می‌پذیرد:

- باراندازی تجهیزات از سوی مردان و زنان صورت می‌گیرد؛

- محل چادر با کمک زنان و کودکان پاکسازی می‌شود؛ به این صورت که علف‌های

هرز را با دست جدا و با جاروهای سنتی پاک‌سازی می‌کنند؛

- از سنگ‌های گردآمده از محیط اطراف، سکویی روی زمین می‌سازند که قسمت

عقب چادر روبه‌روی در ورودی محسوب می‌شود؛

- مردان چادر را روی زمین پهن می‌کنند؛

- میخ‌های چوبی را اطراف چادر می‌کوبند؛

- طناب‌های اصلی کوتاه را به‌صورتی که چندان کشیده نیستند به میخ‌های یک متری

اطراف می‌بندند؛

- به زیر چادر می‌روند و ستون‌های اصلی را بلند می‌کنند و سر جای خود قرار می‌دهند؛

- در این حالت یکی از ستون‌های مورب جلوی چادر را سر جای خود قرار

می‌دهند و پس از آن، ستون بعدی را برپا می‌کنند و این عمل را تا آخرین ستون مورب

انجام می‌دهند؛

- طناب‌های اصلی طویل را در قسمت داخل چادر در زیر هر یک از سر ستون‌های

اصلی گره می‌زنند، دور ستون مورب جلو پیچ می‌دهند و سرانجام به میخ‌های چوبی

یک متری جلوی چادر می‌بندند.

- طناب‌ها را می‌کشند تا چادر سر جای خود بایستد و در انتها، گره آن را با میخ‌های

اطراف محکم می‌کنند؛

- دیوارهای حصیری و میخ‌های چوبی را در جای خودشان تعبیه می‌کنند؛

- بعد از پایان کار، زنان و کودکان لوازم و بار و بنه را به داخل چادر می‌برند.

سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین ❖ ۲۲

۴. تمهیدات در سرما و گرما

در گرما:

- تعدادی از دیواره‌های حصیری را جمع می‌کنند. (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۳۴) یا قسمتی از آن را لوله می‌کنند تا هوای تازه وارد چادر شود. در سرما، هوای نامساعد (باد و بارندگی):
- از دیواره سنگی (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۸۸) (رفیع‌فر، ۱۳۸۷: ۹۲)، گونی‌های موجود در بازار و طناب‌های تقویتی که از جمله تمهیدات در سرماست، استفاده می‌کنند.
- آتش روشن می‌کنند که این آتش حکم اجاق را دارد و فضا را گرم می‌کند؛
- لبه‌های چادر را تا حدی که گوشه‌های آن، زمین را لمس می‌کنند پایین می‌کشند و برای ثابت ماندن، سنگ‌هایی^۱ روی لبه‌ها می‌گذارند.

۵. فضای داخل سیاه‌چادر

نحوه بخش‌بندی فضای درون چادر و طرز چیدن اسباب خانه در هر ایل به خصوصیت فرهنگی و قومی آن ایل مربوط می‌شود.
الف) فضای اصلی زندگی در سیاه‌چادر^۲؛ که در اصطلاح به آن فضای مردانه^۳ می‌گویند (شکل ۱۸).

هنگام ورود به چادر در روبه‌رو، دیوار کوتاه سنگی با قلوه‌سنگ‌های اطراف دیده می‌شود^۴ به ارتفاع تقریبی ۲۰ سانتیمتر؛ طول آن معمولاً برابر است با طول قسمت نشیمن‌گاه چادر و گاهی کمتر و به پهنای ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر. روی دیواره سنگی، گونی‌ها یا خورجین‌هایی از مواد غذایی اعم از برنج، آرد^۵، ... و پشم می‌چینند سپس چند ردیف که محتوی رختخواب و لحاف و پتوست، می‌گذارند. در انتها روی همه آنها پارچه‌ای ضخیم یا دست‌بافته‌های زنان عشایر کشیده می‌شود.

1.berd-سنگ/ stone

2.ništiman- فضای اصلی زندگی

3.la merdan- قسمت مردانه- men's side

4.siter, perik, herzal- سکوی اثاث در سیاه چادر

5.kulîn-نبار آذوقه /provision sacks



شکل ۱۸. طراحی سه بعدی: فضای اصلی زندگی در سیاه چادر

کاربرد:

۱. تکیه‌گاه: به منظور استراحت بعد از کارهای روزانه است که با قرار گرفتن پشتی^۱ این کار انجام می‌شود.
 ۲. انبار آذوقه
 ۳. کمد قرارگیری
- قسمت جلوی فضای اصلی^۲
- فضایی برای نشستن، خوابیدن و دیگر فعالیت‌ها محسوب می‌شود، کف آن از بافته‌های زنان عشایر است یا موکت کهنه‌ای است که در زیر آنها چیزی شبیه گونی یا پلاستیک قرار دارد.^۳
- انتهای سمت چپ فضای اصلی معمولاً وسایل مختلفی از قبیل دیگ، سماور و گاهی مشک روغن و پنیر یا صندوقچه به ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتیمتر قرار می‌دهند.
- ب) آشپزخانه که در اصطلاح به آن فضای زنانه می‌گویند. (شکل ۱۹)^۴

1. pišti- soft pillow/ پشتی، متکا

2. mewaxane- فضای نشیمن

۳. کیفیت و نوع تجهیزات داخل سیاه چادر عشایر ارتباط مستقیم با سطح اجتماعی خانواده دارد (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۴۸)

4. la jinan- the kitchen / قسمت زنانه

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ نشین ❖ ۲۵



شکل ۱۹. طراحی سه بعدی: فضای آشپزخانه در سیاه چادر

فضای کوچکی که با دیوارهای حصیری جدا می شود و در انتهای این فضا، با گذاشتن چند ردیف سنگ، سطحی را برای گونی های کوچک خواروبار درست می کنند یا روی زمین با گذاشتن قفسه های پلاستیکی سکوهایی را برای جا دادن آذوقه آشپزخانه می سازند. این قسمت کاملاً زیر نظر مادر خانواده است.

اجاق^۱ در داخل و بیرون سیاه چادر قرار داده می شود. به صورت سنتی در بیشتر نقاط کوهستانی و سردسیر در زمستان اجاق در درون چادر و معمولاً در ابتدای ضلع ورودی، (توکلی، ۱۳۷۹: ۱۹۷)، (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۵) و در تابستان در بیرون چادر قرار دارد. فضایی با قطر ۴۰ سانتی متر و عمق ۲۰ سانتی متر در زمین کنده می شود. دور تا دور این فضا سنگ چیده می شود^۲ که مانع تخریب دیواره ها می شود و امکان گذاشتن ظروف را ایجاد می کند. برای قرار دادن ظروف بزرگ تر بر روی اجاق از سیخ فلزی^۳ استفاده می شود. (شکل ۲۰)



شکل ۲۰. اجاق سنتی در بیرون سیاه چادر

1. اجاق، اتش - kwanig
2. سنگ اجاق - kuçkawr
3. سیخ روی اجاق - six ware

۲۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اجاق در چادر عشایر هم وسیله پخت و پز و هم برای گرم شدن فضای داخل کاربرد دارد. سوخت آن را مردمان عشایر از همیزم چوب‌های اطراف تهیه می‌کنند. در کل، زنان نزدیک‌تر به اجاق، چای و دیگر مواد خوراکی را در اختیار سایر اعضای خانواده قرار می‌دهند و هنگام حضور مهمان ناآشنا، این محل، ویژه زنان و برای پخت‌وپز به کار می‌رود.



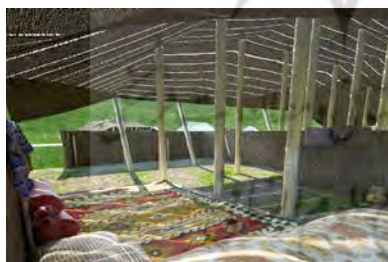
شکل ۲۱. اجاق گازی در سیاه‌چادر

امروزه بسیاری از خانواده‌های عشایری از گازهای کوچک پایه‌دار موجود در بازار استفاده

می‌کنند که سوخت‌شان از طریق کپسول‌های گاز تأمین می‌شود. (شکل ۲۱)

ج) فضای محصولات لبنی

به منظور قرار دادن مواد لبنی و آب^۱، سطحی را با سنگ‌های صاف^۲ یا شاخ و برگ گیاهان اطراف در راهروی سمت چپ چادر می‌سازند^۳ و در تابستان که هوا گرم است، در بیرون چادر (شکل ۲۲) فضایی را با دیواره حصیری و شاخ و برگ درختان اطراف می‌سازند که برای نگهداری از محصولات لبنی و ظرف آب است که روی آن را با حصیر یا پارچه می‌پوشانند که خنک بماند. (شکل ۲۳)^۴



شکل ۲۳. طراحی سه‌بعدی: فضای محصولات لبنی در سیاه‌چادر



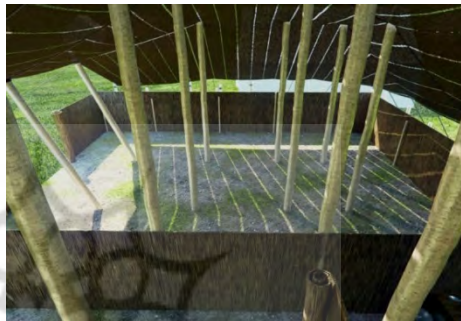
شکل ۲۲. فضای محصولات لبنی بیرون سیاه‌چادر

1. دبه آب-dewl
2. سنگ چین زیر مشک آب-purig
3. راهرو-kolan
4. محل نگهداری مشک آب و لبنیات-kunelan

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ نشین ❖ ۲۷

د) محل نگهداری از نوزاد دام^۱

برای این منظور قسمتی از فضای سمت پایین سیاه چادر را با دیوارهای حصیری تفکیک می کنند و نوزاد دام را تا سپری شدن دوران سرما در آن نگه می دارند. برای حفاظت از سرما و تمیز ماندن این نوزادان، جای آنها را با مقداری کاه یا خار و خاشاک که در منطقه وجود دارد، می پوشانند. هرچند وقت یکبار، زنان و دختران مکان آنها را تمیز می کنند و دوباره سطح زمین را با علف و خار و خاشاک می پوشانند. (شکل ۲۴)



شکل ۲۴. طراحی سه بعدی: فضای نگهداری از نوزاد دام در سیاه چادر

جمع آوری و حمل و نقل سیاه چادر

زندگی ایلی بر مبنای دام است و لازمه دامپروری یافتن مراتع سبز در فصول مختلف سال است. این مردمان، در طول سال ۲ نوبت کوچ طولانی دارند؛ پاییز و بهار از سردسیر به گرمسیر و برعکس. در اواسط بهار و اوایل پاییز کم کم عشایر گروه گروه به راه می افتند. شب قبل از کوچ، حیوانات بارکش را جلو چادر می بندند تا سحرگاه بارگیری شوند. از ساعت ها قبل زنان به بسته بندی بعضی لوازم که کم تر مورد نیاز است، مشغول شده اند. خوابگاه (وسایل خواب)، خورجین، آب کش، همه آماده حمل می شوند. صبح زود مردان، زنان و فرزندان شان کار بارگیری را آغاز می کنند:

– پوشش چادر را تا می کنند و به همراه دیرک ها در پشت حیوان بارکش^۲ یا وسیله نقلیه بار می زنند.^۳ (شکل، ۲۷، ۲۶ و ۲۵)

1. جای بره ها و بزغاله ها -koz

2. بار زدن -bâr kirdin

3. بار اولیه (اولین قسمت های چادر که بار قاطر می شود) -pijwar

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- دیوارهای حصیری را به راحتی لوله می‌کنند، سپس بر پشت حیوان یا پشت وسیله حمل و نقل قرار می‌دهند.
- دیگر وسایل و مایحتاج را در خورجین‌ها می‌گذارند که به راحتی در دو سوی چهارپایان آویخته می‌شود.
- روی چهارپایان علاوه بر بار، مرغ‌ها، خروس‌ها، بره‌ها و بزغاله‌های تازه متولدشده دیده می‌شود.
- مسیر حرکت ایل یکنواخت نیست، از دل تپه‌ها و کوهستان‌ها می‌گذرند و در تمام طول مسیر یار و یاور یکدیگراند.



شکل ۲۵. سیاه‌چادر را پایین کشیده، به درازا تا می‌کنند، از دو طرف جمع می‌کنند و ... (منبع: ۲۵: faegre، ۱۹۷۹)

شکل ۲۶. در پشت حیوان بار کش و یا وسیله حمل و نقل بار می‌زنند (منبع: ۴۳: faegre، ۱۹۷۹)

شکل ۲۷. کوچ با وسیله نقلیه امروزی



نشانه‌های به‌جا مانده بعد از کوچ فصلی:
- مکان صاف‌شده زیر سیاه‌چادر؛

سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ نشین ❖ ۲۹

- چاله ایجاد شده با میخ‌های چوبی اطراف چادر؛
- سکوی سنگی عقب که داخل چادر است؛
- در قشلاق دیوارهای سنگچین اطراف چادر؛
- اجاق، که با سنگ احاطه می‌شود؛
- دیوارهای سنگچین آغل دام‌ها. (تصویر ۳)



جمع‌بندی

اولین گام برای بررسی علت پایداری سیاه چادر عشایر آذربایجان غربی، شناخت عوامل تأثیرگذار بر معماری آنهاست. در حقیقت آنچه نوع معیشت و عوامل محیطی به آنها تحمیل می‌کند، واقعیت معماری کوچ‌نشینان را از دیرباز تا به امروز ساخته است. این بدان معناست که نحوه رویارویی معماری با این دو عامل اصلی - یعنی زندگی حرکتی و شرایط اقلیمی - موجب ماندگاری‌اش پس از گذشت قرن‌ها شده است. در این بخش نحوه سازگاری سیاه چادر با هر یک از عوامل تأثیرگذار مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. سازگاری سیاه چادر عشایر آذربایجان غربی با شیوه زندگی کوچ نشینی:

ادعا	اثبات
تأمین کننده اصلی ترین نیازهای کوچ نشینان به عنوان سرپناه	سایبانی در گرما محافظی در برابر سرما، باد و گردوغبار فراهم کننده حریم خصوصی
سبک و قابل حمل بودن آن	حیوانات بارکش قادر به حمل آن هستند.
سهولت نسبی در برپایی و جمع آوری آن	مردان و زنان عشایر به یاری هم می توانند در طول مدت چند دقیقه چادر خود را برپا و جمع کنند.
مقرون به صرفه بودن و دسترسی آسان به آن برای تمامی طبقات جامعه عشایری	چون از مصالح در دسترس و بافته دست خودشان است مقرون به صرفه است: سقف: چادری از موی بز که توسط زنان عشایر بافته می شود. ستون: از چوب درختان اطراف، معمولاً چوب درخت تبریزی؛ دیواره: از چوب های نازک درختان اطراف تهیه می شود، معمولاً شاخه درخت سیب و زنان عشایر آنها را می بافند. تجهیزات داخل سیاه چادر عشایر مانند فرش، پستی و... به دست زنان بافته می شود.
قابل تعمیر بودن آن توسط خود عشایر	کوچ نشینان خود تبحر و تجربه کافی را برای تعمیر سیاه چادر دارند و نیاز به نیروی متخصص ندارند.
کاربردی بودن آن	هر چادر به منزله یک فضای زندگی کامل است، جایی برای خوابیدن، خوردن، پذیرایی از مهمان، آشپزخانه و محلی برای نگهداری بزغاله ها در آن تعبیه شده است؛ فضایی با کمترین ابعاد و اندازه ولی با بالاترین کارایی.
انعطاف پذیری بالا	با اضافه کردن یا کم کردن تعداد نوارهای چادر و ستون ها می توانند فضای چادر را کوچک تر یا بزرگ تر کنند.

۲. سازگاری سیاه چادر عشایر آذربایجان غربی با شرایط اقلیمی:

ادعا	اثبات
ارتباط فضای داخل و خارج	هیچ دیوار ثابتی که جداکننده کامل فضای داخل چادر با فضای خارج آن باشد وجود ندارد، انگار که خود بخشی از طبیعت محسوب می شود.
داشتن ارتباط با محیط اطراف	سیاه چادر با ستون های تیز فرمی موجی، شکلی مانند کوهستان را ایجاد می کنند.
استفاده از انرژی پاک و برگشت پذیر	استفاده از انرژی باد استفاده از نور طبیعی
تغییر با کمترین آسیب به محیط	با تغییرات در ابعاد و اندازه چادر که با زیاد و کم کردن نوارهای چادر و

سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشینان ❖ ۳۱

	تعداد ستون‌ها انجام می‌دهند، هیچ‌گونه آسیبی به طبیعت اطراف نمی‌زنند.
استفاده از مواد و مصالح بومی	سقف: چادری از موی بز که توسط زنان عشایر بافته می‌شود. ستون: از چوب درختان اطراف، معمولاً چوب درخت تبریزی است. دیواره: از چوب‌های نازک درختان اطراف تهیه می‌شود، معمولاً شاخه درخت سیب و زنان آنها را می‌بافند.
جهت‌گیری مناسب	با توجه به اقلیم و مقدار نیاز به نور در تابستان و زمستان و همچنین جهت بادهای مطلوب و نامناسب جهت سیاه‌چادر را تعیین می‌کنند.

نتایج به دست آمده از تحلیل، این فرضیه را ثابت می‌کند که معماری کوچ‌نشینان منطقه نه تنها با زندگی حرکتی آنها، بلکه با شرایط اقلیمی حاکم سازگار است. علت دو سویه بودن این تحلیل آن است که از یک سو شیوه زندگی مبتنی بر کوچ، گونه‌ای متفاوت از معماری را می‌طلبد که بتواند جواب‌گوی این نوع خاص از زندگی باشد و از سوی دیگر آمیزش مسالمت‌آمیز آن با محیط اطراف دلیل دیگری برای پابرجا بودن آن پس از هزاران سال است.

شاید نیاز معماری امروز ما به فراگیری فنون معماری کوچ‌نشینان بیشتر از هر زمان دیگر باشد. معماری مدرن امروز، در بیشتر مواقع نسبت به سیاه‌چادر عشایر از پایداری کمتری برخوردار است. سیاه‌چادر کوچ‌نشینان آذربایجان غربی نه فقط سقف بالای سر آنهاست، بلکه از هر لحاظ با شیوه زندگی حرکتی عشایر و شرایط اقلیمی استان سازگار است. سبک و قابل حمل بودن، انعطاف‌پذیری، استفاده از مواد و مصالح بومی تنها گوشه‌ای از خصوصیات معماری کوچندگان آذربایجان غربی محسوب می‌شود. شناخت و تحلیل مسکن این مردمان در این منطقه بویژه که جزو قدیمی‌ترین نواحی زندگی کوچ‌نشینان محسوب می‌شود به ما کمک می‌کند تا هرچه بیشتر به نقش پایداری در معماری امروز توجه کنیم.

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۸). کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات، تهران: آگاه.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۱). جامعه ایلی در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توکلی، غلامرضا (۱۳۷۹). ایل باصری از ترانس تا لهواز، تهران: انتشارات هفت.
- سهام‌پور، هوشنگ (۱۳۷۷). تاریخچه ایلات و عشایر خمسه فارس، تهران: انتشارات کوشا.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵). عشایر مرکزی ایران، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۹۴). مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران: دانشگاه تهران.
- فیلبرگ، کارل گونار (۱۳۷۲). سیاه چادر: مسکن کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان جهان در پویه تاریخ، ترجمه: اصغر کریمی، مشهد: آستان قدس.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر و نوری، عسگری (۱۳۷۷). زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، تهران: چاپخش.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸). «مسکن در ایل بختیاری، قسمت اول»، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب، ش ۱.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸). «مسکن در ایل بختیاری»، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب، قسمت دوم، ش ۲.
- پاپ‌زن، عبدالحمید و افشارزاده، نشمیل (۱۳۹۰). «دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل ایل»، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ش ۲، دوره ۳.
- رفیعی‌فر، جلال‌الدین و قربانی، حمیدرضا (۱۳۸۷). «از کوچ‌چندگی تا یک‌جانشینی؛ رویکرد باستان مردم‌شناختی بر خاستگاه خانه واستراتژی معیشتی در دوره نوسنگی»، دو فصلنامه نامه انسان‌شناسی، ش ۹.

سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین ❖ ۳۳

کلانتری، منوچهر (۱۳۴۵). «ایل میلان»، مجله هنر و مردم، ش ۴۳.
 مجیدزاده، یوسف (۱۳۴۲). «ایل زرزا ۱»، مجله هنر و مردم، ش ۸.
 نظری‌پور، علی‌اصغر و شاه‌حسینی، یونس (۱۳۷۸). «شناخت ایل جلالی»، فصلنامه
 عشایری ذخائر انقلاب، ش ۱.

Feilberg, C. G (1944). **La Tente Noire: Contribution ethnographique L'histoire Culturelle des Nomades**, Nationalmuseets Skrifter, Etnografisk Raekke 4, Copenhagen.

Tapper, Richard Lione and Thompson, Jon (2002). **The Nomadic Peoples of Iran**. London: Azimuth Editions.

Faegre, Torvald (1979). **Tents: Architecture of the Nomads**, New York: Anchor Press.

Patai, Raphael (1951). "Nomadism: Middle Eastern and Central Asian". *Southwestern Journal of Anthropology*, Vol. 7, No. 4, pp. 401-414(406).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی